

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۱۰/۱/۴

کرزی به مرگ نزدیک می شود

زمانی که یک انسان بی هویت توسط اجانب بر اریکه قدرت یک کشور نصب می گردد و حلقه غلامی را به گردن می آویزد، باید تا اخیر تابع دساتیر همان قوه استعماری باشد. هرگونه سرپیچی غلام از اوامر بادر باعث نابودی همان فرد میگردد. غلام نمیتواند دست به نیرنگ بزند و بازی موش و پشک را با خالق خود مورد استفاده قرار دهد. فرد دست نشانده نه شخصیت ملی دارد و نه ارزش معنوی که به جنگ بادر برود. تاریخ چنین انسان را از روز نخست مزدوری محکوم به فناء ساخته است.

مثال های برجسته ای در تاریخ کشور ما و تاریخ جهان مشاهده می شود. سرنوشت مرگبار رهبران خلقی- پرچمی نظام مزدور شوروی در کابل میتواند درس عبرت بزرگ برای سایر رهبران دست نشانده حال و آینده افغانستان باشد. با کمترین سرکشی سر از تن شان کنده شد و به دیار عدم فرستاده شدند و یا اینکه از ناجوانمردی بادر تا اخیر عمر قولة ندامت کشیدند. بلند پروازی ها و بالاخره سرنوشت غم انگیز شاه ایران، اعدام چاوسیسیکو در رومانیه، ضیاءالحق در پاکستان و صد ها مثال دیگر انتهای روابط حاکم و محکوم را در صحنه سیاست جهانی رقم می زند.

نمیدانم که آیا "کرزی غلام" بر روی کره زمین زندگی می کند یا اینکه از کدام سیاره دیگر درین اواخر برگشته و بعد از خالی کردن داخل بدن وی، از او یک مخلوق دیگر ساخته اند. ضرب المثل معروف مردم کابل که می گفتند "مورچه که مرگش میرسد، بال می کشد." در مورد کرزی صدق می کند. کرزی نه وجهه ملی دارد و نه از شهرت نیک برخوردار است که بتواند در رویارویی با اجانب، پشتیبانی ملت خود را داشته باشد. یک رهبر غدار، مزدور اجانب و خاین به کشور مستحق هیچگونه حمایت نیست

کرزی درین اواخر مذبوهانه تلاش نموده است که از خود به اصطلاح استقلال عمل نشان دهد و قسماً از امریکا فاصله گیرد. سفر احمدی نژاد به کابل، سفر کرزی به تهران در روز سال نو و همچنان مسافرت کرزی به چین همه مانور هائی بود که این مزدور بی خرد از خود تبارز داد. کرزی خواسته به جهان بفهماند که سیاست صرفاً اتکاء به امریکا را ترک گفته و افغانستان را به سوی قطب های دیگر سیاسی و منطقه ئی میلان میدهد و نفوذ قدرت های خارجی را در کشور توازن می بخشد. احمدی نژاد حین ایراد نطق خود در کابل که کرزی هم در کنارش استاده بود به شدت از امریکا و پالیسی اش در افغانستان و منطقه انتقاد نمود بدون اینکه کرزی خم به ابرو بیاورد. معمولاً رهبران کشور ها در جریان صحبت های سیاسی و دیپلماتیکی موقف خاص یک دیگر را به ارتباط روابط شان با سایر کشور ها مورد نظر می داشته باشند تا تخریش خلق نه گردد و بعضاً هم برای رفع هر گونه سوء تفاهم مشوره های قبلی انجام میدهند تا از طرز دید و نظرات هم آگاه شوند. من به این عقیده ام که بین این دو تن قبلاً تبادل نظر صورت گرفته و کرزی هم به احمدی نژاد در انتقاد از امریکا چراغ سبز نشان داد تا بدینوسیله به امریکا تفهیم نماید که او دیگر تنها نیست و در صورت لزوم میتواند از حمایت قدرت های منطقه ئی برخوردار گردد. کرزی شاید همچنان خواست که انتقام خود را از اهانت اداره اوباما نسبت به وی بدینوسیله بستاند.

مسافرت کرزی به چین رقیب جهانی و منطقه ئی امریکا و انتقاد پیگنگ از پالیسی امریکا در مجموع از نظر واشنگتن نادیده گرفته نمی شود. کرزی با امضای سه معاهده اقتصادی و تجارتي با چین خواست که یکه تازی امریکا را در افغانستان تقلیل بخشد و از نفوذ سیاسی و اقتصادی پیگنگ در توازن قدرت های خارجی بهره گیرد. اگر کرزی یک شخص ملی و شریف می بود، بدون تردید که بازی های سیاسی وی در نگهداشت توازن قواء به دیده تحسین نگریسته می شد. اما برای یک کرزی آلوده و ضد ملی و دست نشانده امریکا چطور ممکن است که خود را از زیر یوغ بادار خود رهائی بخشد و منحیث یک زعیم ملی تبارز نماید.

سفر مخفی اوباما به کابل همه را به حیرت انداخت، لکن برای واشنگتن فرصتی میسر شد که بر روش تجاوز کارانه امریکا در افغانستان تأکید ورزد و در عین وقت کرزی را بار دیگر توبیخ و سرزنش کند. اوباما چهار هدف عمده از سفرش به افغانستان داشت:

۱. برای اثبات حقانیت تداوم تجاوز و حاکمیت امریکا بر افغانستان
۲. برای قناعت مردم امریکا و مبارزات انتخاباتی آینده
۳. برای توبیخ و در چنگال نگهداشتن کرزی و بی ارزش جلوه دادن مانور های سیاسی طفلانه وی
۴. برای خنثی ساختن نفوذ قدرت های منطقه ئی

اوباما به وضاحت به کرزی فهماند که امریکا دستور میدهد و او اجباراً اطاعت میکند و در صورت سرپیچی از دساتیر واشنگتن سخت مجازات خواهد شد. اوباما همچنان به قدرت های منطقه نی حالی ساخت که امریکا آقای بلامنازع افغانستان است و کشور های دیگر توانائی رویارویی را با امریکا ندارند.

برای کرزی غلام و ناتوان و فاسد به راه انداختن راه و روش مستقل بسیار ناوقت است. اگر کرزی و برادرش سر به نیست هم گردند، هیچگونه اندوهی در مردم ستمکش ما پدید نخواهد آمد.